

متن پیاده سازی شده جلسه چهارم سال دوم درس خارج فقه پزشکی با محوریت پرونده های قضایی 7 آبان ماه 1401

برای دریافت فایل pdf [کلیک کنید](#)

ضمان ناشی از باقی ماندن وسایل جراحی در بدن بیمار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

گاهی اوقات برخی پزشکان کوتاهی هایی می کنند و باعث می شوند که بیمار دچار دردسرهایی شود؛ در این جا سه سوال حداقل مطرح می شود؛ ما در این پرونده ای که الان می خواهیم مطرح کنیم در واقع دنبال سه چیز هستیم ؛ اصل ضمان؛ ضمانی وجود دارد یا نه ؟ دوم متعلق ضمان ؛ یعنی ضمان نسبت به چه؟ و سوم: ضامن؛ ضامن کیست؟

سوال شده پس از عمل جراحی مشخص شده یک عدد گاز استریل در داخل شکم بیمار ،پزشک جا گذاشته است،

1. در اعمال جراحی یک نفر از کادر و پرسنل اتاق عمل مسئول بررسی گازهای استریل اتاق عمل هست ؛ یعنی گازهای استریل مد نظر در عمل جراحی قبل شروع به عمل شمارش می شود و بعد از اتمام عمل بازشماری می شود که چند عدد استفاده شده و چند عمل باقی مانده است. و پزشک جراح طبق رویه و دستورالعمل های موجود از طرف سازمان پزشکی یا بیمارستان بعد از دو مرتبه سوال از وی و اطمینان از این که تمام گازهای استفاده شده ، خارج شده ، اقدام به بخیه محل عمل جراحی می کند ؛ با این اوصاف و با این فرض که پزشک بعد دو مرتبه سوال اقدام به دوختن محل جراحی می کند، آیا مسئولیت باقی ماندن یک عدد گاز به عهده پزشک است یا شخصی که مسئولیت مستقیم این کار را داشته است؟

2. با توجه به این که درفاصله عمل جراحی اول و دوم (برای بیرون آوردن وسایل باقی مانده) هنوز محل جراحی شده ، جوش نخورده و در جریان عمل جراحی دوم صرفاً با کشیدن بخیه های محل جراحی ، شکم بیمار باز و شی ء خارجی از آن، بیرون آورده شده ؛ (چون برای بار دوم است و هنوز محل جراحی جوش نخورده شکم باز است و لذا به محض این که بخیه ها کشیده شد، شکم باز می شود، سوال این است که شی خارج شده و دوباره به همان شکل پیشین بخیه شده، محکومیت پزشک معالج به پرداخت دیه ایجاد یک جائفه در بدن بیمار ،از وجاهت شرعی برخوردار است؟

(ما یک زخمی داریم به نام جائفه ، مقابل قاشره است ؛ زخم به درون سرایت کند و عمیق باشد اما قاشره سطحی است) سوال این است که این پزشک که می خواهد زخم را بشکافد آیا باید دیه زخم جائفه را به مریض بدهد؟ دیه جائفه هم یک سوم دیه کامل است.

در خصوص ضمان در بحث پزشکی ،همیشه مصداقی صحبت شده است؛ هم در فقه ما مصداقی صحبت شده است هم در قانون .

از نظر فقهی ما در کلمات گذشتگان ، یک مساله ای داریم مرحوم علامه حلی این مساله را دارد که به مساله ما نزدیک است. جناب علامه دارد : لو خاطها (اگر پزشک اول شکم مریض را بدوزد) ففتقه الثانی (دومی بازش کند) قبل ان یلتئم (قبل این که خوب شود) قاعدتا یا اولی بد کار کرده یا چیزی جا گذاشته است) و لم یحصل بالفتق جنایة و (و با فتق دوم جنایت تازه ای حاصل نمی شود)قال الشیخ یعزر و لا ارش (شیخ طوسی فرموده: این جا تعزیر هست ولی ارشی نیست ...ایشان فرض را بر این گذاشته که دومی بی جهت بخیه ها را کشیده است .

بعد جناب علامه می گوید: والاقرب الارش ..لما فيه من الالم اقرب این است که باید ارش بدهد یک چیزی را کارشناس تعیین کند تا او بپردازد.

و علیه ارش الخیوط و...دومی غیر ارش اول را که میدهد باید نخ بخیه و اجرت آن را بدهد؛ پس ببینید سه چیز باید بدهد یکی ارش به مریض بدهد؛ پول نخ را بدهد و اجرت بخیه کردن را هم بدهد در حالی که شیخ طوسی همان ارش اول را رد می کند و الا اجرت نخ بخیه و اجرت را قبول نمی کند

میدانید بین شیخ طوسی و علامه دعوا کجا است؟ دعوا روی یک مساله مهمی است و آن این که آیا هر آسیبی هر جسارتی هر ایجاد دردی آیا دیه دارد؛ اگر دیه ندارد آیا ارش دارد یا نه؟

از بحث های روز هم هست، فرض کنید کسی به کسی جسارت می کند؛ آیا این ارش دارد؟ ممکن است کسی بگوید این خسارت معنوی وارد کرده است

سوال این است که برخی وقتها شخص یک دردی به کسی وارد کرده است مثلاً باعث شده طرف سردرد بگیرد؛ سردرد یا استخوان درد یا کمردرد آیا این ها ارش دارد؟ جناب علامه می گوید: ارش دارد. روایت هست که حتی امام علیه السلام بدن ابوبصیر را فشار دادند. و گفتند حتی ارش هذا؛ یعنی ارش این... اختلاف شیخ طوسی و جناب علامه از این جا ریشه می گیرد.

از جناب محقق در شرایع یک بررسی کنید ببینید می توانیم برای کلام خودمان مؤیدی پیدا کنیم یا نه...

آن جا هست که: و لو خیطت (اگر بخیه شود شکم طرف و یا ران طرف) ففتقها آخر و نفر دوم بخیه را بکشد (بی جهت) فان کانت بحالها لم تلتئم (اگر بخیه تازه هست و هنوز هم خوب نشده) با این کشیدن جنایت جدیدی هم حادث نشده و لم يحصل بالفتق جنایة، قال الشيخ فلا ارش و يعزر: ارش ندارد ولی شلاقش می زنند؛ چون شخصی را به هر حال اذیت کرده است.

لانه لا بد من اذی و لو فی الخیاطة الثانية؛ می گوید: ممکن است با آن کشیدن نخ اذیت نشده ولی دوباره که می خواهند بدوزندو بخیه کنند اذیت می شود مخصوصاً این که بخواهند از همان منافذ قبلی بخیه برای بخیه جدید هم استفاده کنند.

این برگشتش به این است که لکل اذی لکل الم آیا ما ارش داریم که بعد ما تمسک کنیم به همان روایت ابوبصیر یا نداریم؟ اینها ظاهراً دارند کفه را سنگین می کنند که ارش دارد....

سوال این است که ببینید آیا ما می توانیم از این جا چیزی به دست بیاوریم یا نه؟

در بحث ما مسلم بحث تعزیر که مطرح نیست اما ممکن است پرستاری که کوتاهی کرده تعزیر شود. اما نه بخاطر بازکردن شکم به خاطر کوتاهی که کرده است. اما ضمان هست؛ از شما سوال کنم: علامه و محقق حلی در این مثال این باز کردن را جائفه دانستند یا نه؟ در این مثال این نوع، باز کردن جائفه نیست.

ما این جا اصل ضمان را روی قواعد نمی توانیم انکار کنیم. برای این که فرض این است که در بدن بیمار وسیله ای را جا گذاشتند.

دو تا بحث است یکی ضمان هزینه ها است نسبت به هزینه های درمان مجدد و دیگری ضمان نسبت به این شکاف.

نسبت به هزینه درمان، مریض از خودش خرج کند؟! چون پزشک یا پرستار کوتاهی کرده است. ما هم کاری به ضمان نسبت به شکافتن در این مورد نداریم.

ما گفتیم همان ارش و دیه ای که شارع قرار داده و نه بیشتر.....

ما می گوئیم هر چه و هر جا شارع تعیین فرموده، همان است.

این جا بحث ضمان نسبت به جنایت ثانی نیست؛ که بگویید شما هزینه درمان را قبول ندارید. این جا بحث این است که این آسیب یک هزینه درمان دارد؛ حتی گاهی اوقات عفونت می کند و بعد متوجه میشوند. به عبارت دیگر این ها ماهیت دیه ندارد،

ماهیت ارش ندارد؛ مسئولیت مدنی به حساب می آید که برعهده آسیب زنده است و این جا است که ما قائل به ضمان می

شویم. ضمان چه؟ هزینه درمان هر چه هست. نکته بعدی بحث ضمان نسبت به خسارت است. یعنی اگر شکم را شکافتند مثلاً جای دیگر را شکافتند یا مثلاً خوب شده و باید دوباره بشکافتند که در قانون ارش و دیات قرار میگیرد اگر مورد دیه باشد؛ جائفه و اگر مورد دیه نباشد، مثل این که زخمی کمتر از جائفه باشد.

هر چه کارشناس تشخیص بدهد؛ ما این جا قائل به ضمان شدیم هم نسبت به هزینه درمان هم نسبت به آن زخم و آسیبی که وارد

کرده ایم.

اگر ما هزینه درمان را قبول نداریم جایی که ارزش آن را می گیرند، اما اگر زخمی باشد که هزینه ها جدا است ، خود درمان ، ضمان دارد. این جا بحثی که پیش می آید و آن این است که ضامن کیست؟ مخصوصا این که این جا غیر از پزشک و تکنسین اتاق عمل، یک عامل سومی هم داریم که کنترل نهایی را می کند. آیا این جا پزشک ضامن است؟

آیا تکنسین اتاق عمل ضامن است؟ چون مسئولیت داشت؛ چون پزشک دوبار هم سوال کرده بوده است. و گاهی اوقات کنترل نهایی با یک نیروی سومی است که او عهده دار این مسئولیت است. سوال این است که این جا چه کسی مسئول است؟

و آیا می توان ضمان را به نحو ترتب تنظیم کنیم؟ مریض به ترتیب به هر کدام باید مراجعه کند و این ها هم به همان عامل اصلی مراجعه کنند. سوال این است که عامل اصلی کیست؟

مثلا شرکت گاز یک چاه وسط خیابان حفر کرد و کسی هم سنگ گذاشت بر لبه آن گودال و کسی هم آلت قتاله ای داخل این حفره قرار داد و یک بیچاره ای پایش گیر کرد و افتاد ته چاه و چاقو هم به شکم او داخل شد. و او کشته شد اگر سنگ نبود ایشان لیز نمی خورد اگر سنگ بود و چاه نبود نهایتا ایشان زمین می خورد و اگر سنگ بود و لی ته چاه آب بود چاقو نبود، آیا اینجا همه ضامن اند؟ عامل اول ضامن است یا دوم؟ یا این شخص یا ورثه این شخص می توانند به هر کدام از این عوامل مراجعه کنند نهایتا این که این ها می توانند به عامل اصلی مراجعه کنند.

این مثال می تواند مشابه پیدا کند ، یک تاملی روی این بحث که ضامن کیست، داشته باشید.

الحمد لله رب العالمين